

دانشکده هنر و معماری

گروه معماری

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد معماری

طراحی واحد فامیلی با توجه به کیفیت مسکن سنتی در یزد

استاد راهنما:

دکتر کاظم مندگاری

پژوهش و نگارش :

ندا مزیدی

مهر ۱۳۹۰

تقدیم به همسر
امید که بودنش
آرامش و کمکهایش
دلگرمی برای رسیدن
به هدف های زندگی
است.

حمد و سپاس بی انتها
آفریدگار هستی بخش و
فرزانی و عشق الهی را
که در فراز و فرود زندگی،

روشنگر راه هستی‌ام بوده.

با تشکر و سپاس صمیمانه از راهنمایی‌های گرانبهای و روشنگر استاد ارجمندم، آقای دکتر «کاظم ماندگاری» که در مدت سه سال از وجودشان بهره‌مند گشتم و همفکری، همدلی و هدایت ایشان، طی مسیر را بر من سهل نمود و ممکن ساخت. همچنین لازم می‌دانم از دکتر کوشش‌گران که به گونه‌ای از راهنمایی‌های ایشان بهره‌بردم قدردانی نمایم. بر خود لازم می‌دانم که از پدر، مادر و خواهرم نسرين که در طول رساله همراهی کردند قدردانی کنم.

در نهایت تشکر خود را از همه عزیزان و دوستانی که مرا در انجام رساله همراهی کردند ابراز می‌دارم؛ خانم‌ها مرضیه حاجی‌هاشمی، یاسمن فتاحی، نجمه نادری و ...

با تشکر از همکاری:

میراث فرهنگی استان یزد

پایگاه پژوهشی میراث فرهنگی استان یزد

شهرداری کل یزد

برگه ارزیابی و امتیاز اساتید

چکیده:

امروزه هر معمار و به تبع آن هر اثر معماری، تنها یک داعیه دارد و آن درک ارتقای کیفیت زندگی انسان است. در این میان خانه مهمترین مکانی است که می تواند فراهم کننده آرامش، آسایش و سکینه برای ساکنین خود باشد. با سیر در تجربیات و خاطرات گذشته مادران و پدران درمی یابیم که بهترین تجربه ی آنها از زیستن، مربوط به زندگی در خانه های تاریخی است. البته شاید نتوان طبق رسم و آیین گذشتگان در آنها زیست ولی با حضور، مشاهده و تجسم زندگی در چنین فضاهایی است که می توان بهترین شناخت از زندگی باکیفیت را بدست آورد.

با دقت در مسکن سنتی پی می بریم که معمار توانسته با استفاده از تکنولوژی بومی در تمام نقاط خانه، حال و هوا و کیفیت های متفاوتی را بسته به کاربرد آن فضا بوجود آورد، اما امروزه به علت عدم شناخت ارزشها و همچنین ارتباط نامناسب با گذشته، تداوم و ارتباط معناداری بین آنچه از مفهوم کیفیت در خانه های سنتی وجود داشته با آنچه امروزه در ساخت و سازهای مسکن دیده می شود وجود ندارد. از این رو این رساله بر مبنای این سؤال اساسی شکل گرفته است که: "چگونه می توان کیفیت های ماندگار در مسکن سنتی را جهت استفاده در مسکن امروزی بدست آورد؟"

با این توضیحات نگارنده سعی دارد با برقرار کردن ارتباط مناسب با گذشته، به چگونگی امکان استفاده از کیفیت خانه های سنتی در مسکن امروزی پی ببرد. در همین راستا، مطالعه ای تطبیقی بین خانه های چهار دوره تاریخی در یزد انجام خواهد شد تا اشتراکات و تفاوت های کیفی خانه ها به دست آید.

ابتدا از طریق یک مطالعه نظری، واژه کیفیت مورد جستجو قرار می گیرد و پس از دستیابی به اصول کیفیت دهنده به خانه های سنتی، با تجزیه و تحلیل خانه های چهار دوره مختلف، متغیرها و مشترکات شناسایی شده و با کشف آهنگ تغییرات در کیفیات خانه ها، ضمن معرفی انواع مواجهه با آنها در دوره های تاریخی، به ارائه ی راهبردهای طراحی مسکن متناسب امروز می پردازد.

این بررسی نشان می دهد که توجه به تغییرات در معماری سنتی، امکان استفاده و برقراری تطابق با شرایط امروزی را فراهم می نماید و علاوه براینکه، ارتباط مناسبی را با کیفیات معماری گذشته برقرار می نماید، همواره آنرا به عنوان یک مرجع و منبع مهم معماری به رسمیت می شناسد.

کلمات کلیدی: مسکن، خانه های سنتی، کیفیت، فضا.

فهرست مطالب

فصل اول:

- ۱: مقدمه..... ۱
- ۱-۱: مسئله..... ۲
- ۲-۱: اهمیت موضوع..... ۳
- ۳-۱: اهداف و مقاصد تحقیق..... ۳
- ۴-۱: روش تحقیق..... ۴
- ۴..... ۴
- ۵-۱: ساختار رساله..... ۴
- ۴..... ۴
- ۶-۱: سابقه تحقیق..... ۵
- ۵..... ۵

فصل دوم: طرح موضوع

- مقدمه..... ۸
- ۸..... ۸
- ۱-۲: بخش اول
- ۱-۱-۲: خانه و ثوابت
- ۹..... کیفی
- ۲-۱-۲: ویژگی و ثوابت
- ۱۰..... کیفی

ثوابت شناخت زندگی برای درک ثوابت: ۳-۱-۲

کیفی..... ۱۲

سنتی شناخت زندگی از طریق زیستن در خانه های: ۴-۱-۲

سنتی..... ۱۳

سنتی لزوم شناخت خانه های: ۵-۱-۲

سنتی..... ۱۴

بخش دوم: ۲-۲

معنا و مفهوم واژه: ۱-۲-۲

کیفیت..... ۱۵

کیفیت و مقوله ی عینیت و: ۲-۲-۲

ذهنیت..... ۱۶

کیفیت و: ۳-۲-۲

کمیت..... ۱۷

مفهوم کیفیت فضایی.....: ۴-۲-۲

۲۰

کیفیت انواع: ۵-۲-۲

فضایی..... ۲۱

بخش سوم: ۳-۲

کیفیت های فضایی در خانه های: ۱-۳-۲

سنتی..... ۲۳

وجود کیفیات فضایی در ادوار: ۲-۳-۲

مختلف..... ۲۹

مورد	تاریخی	های	دوره	۳-۳-۲:
				بررسی.....۳۲
های	دوره	بررسی	مورد	مصادیق
				۴-۳-۲:
				مختلف.....۳۳

فصل سوم: معرفی مصادیق

مقدمه

.....۳۶

۱-۳: خانه های دوره ی ایلخانی

خانه ۱-۱-۳:

آقا.....۳۶

۲-۱-۳: خانه حسینیان

.....۳۷

حسن ۳-۱-۳: خانه

آبادی.....۳۹

۲-۳: خانه های دوره ی صفویه

ای ۱-۲-۳: خانه امامزاده

.....۴۰

میرزا ۲-۲-۳: خانه

ملک.....۴۲

دریاند خانه ۳-۲-۳:

۴۴.....لاری

۳-۳: خانه های دوره ی قاجار

ی خانه ۱-۳-۳:

۴۵.....رسولیان

ی خانه ۲-۳-۳:

۴۶.....عربها

ی خانه ۳-۳-۳:

۴۸.....اردکانیان

۴-۳: خانه های دوره پهلوی

خانه ۱-۴-۳:

۴۹.....شاکری

ی خانه ۲-۴-۳:

۵۰.....کاشفی

ی خانه ۳-۴-۳:

۵۱.....وزیری

فصل چهارم: تحلیل مصادیق

۵۳.....مقدمه

بررسی ۱-۴:

۵۴.....مصادیق

و	پر	۱-۱-۴:
			خالی.....۵۴
نیمه	بسته، باز، فضایی	۲-۱-۴:
	الگوی		باز:.....۶۲
سلسله	سیرکولاسیون	۳-۱-۴:
	و		مراتب:.....۷۰
		۴-۱-۴:
			اشرافیت.....۷۶
و	تبادل	۵-۱-۴:
			تقارن.....۸۲
		۶-۱-۴:
			محوریت.....۸۷
(کل	بندی(جزء	۷-۱-۴:
	دانه	۹۳
		۸-۱-۴:
			هندسه.....۹۹
ورودی	بررسی	۲-۴:
			مصادیق.....۱۰۵

فصل پنجم: تحلیل سایت و روند طراحی

.....مقدمه.....

.....۱۱۴.....

- ۱-۵: بررسی و شناخت مکان
 طرح..... ۱۱۴
- ۲-۵: ویژگی های اقلیم و جغرافیای کلان
 منطقه..... ۱۱۶
- ۱-۲-۵: موقعیت جغرافیایی و طبیعی استان یزد..... ۱۱۶
- ۲-۲-۵: موقعیت جغرافیایی شهرستان یزد..... ۱۱۷
- ۳-۲-۵: شرایط اقلیمی یزد..... ۱۱۷
- ۴-۲-۵: مشخصات آب و هوا..... ۱۱۸
- ۳-۵: ویژگی های اقلیم و جغرافیای خرد
 منطقه..... ۱۱۹
- ۴-۵: معرفی موقعیت مکان
 طرح..... ۱۱۹
- ۵-۵: معرفی همجواریها و همسایگی های بستر مکان
 طرح..... ۱۲۰
- ۶-۵: ویژگی های کالبدی همجواریهای مکان
 طرح..... ۱۲۱
- ۷-۵: ویژگی های کالبدی مکان
 طرح..... ۱۲۲
- ۸-۵: معرفی استفاده کنندگان مکان
 طرح..... ۱۲۳
- ۹-۵: احکام
 طراحی..... ۱۲۴

۵-۱۰: روند

طراحی..... ۱۲۵

طرح: ۵-۱۱:

پیشنهادی..... ۱۳۱

فهرست جداول:

جدول ۴-۱-۱-۱: جمع بندی تحلیل پر و خالی دانه ها بر اساس

پلان..... ۴۶

جدول ۴-۱-۱-۲: جمع بندی تحلیل پرو خالی دانه ها بر اساس اندازه

ها..... ۴۶

جدول ۴-۱-۲-۱: جمع بندی تحلیل سه الگوی فضایی بر روی

پلان..... ۵۲

جدول ۴-۱-۲-۲: جمع بندی تحلیل سه الگوی فضایی بر روی اندازه

ها..... ۵۲

جدول ۴-۱-۳-۱: جمع بندی تحلیل سیرکولاسیون و سلسله مراتب ورودی دانه

ها... ۵۷

جدول ۴-۱-۴-۱: جمع بندی تحلیل اشرافیت دانه

ها..... ۶۲

جدول ۱-۵-۱-۴: جمع بندی تحلیل تعادل و تقارن دانه
ها.....۶۶

جدول ۱-۶-۱-۴: جمع بندی تحلیل محوریت دانه
ها.....۷۱

جدول ۱-۷-۱-۴: جمع بندی تحلیل دانه بندی دانه
ها.....۷۶

جدول ۱-۸-۱-۴: جمع بندی تحلیل هندسه دانه
ها.....۸۱

جدول ۱-۲-۴: جمع بندی تحلیل هندسه دانه
ها.....۸۴

جدول ۱-۲-۴: جمع بندی تحلیل هندسه دانه
ها.....۸۶

پیش گفتار:

تقریباً از همان ترمهای ابتدایی حضور در دانشکده ی معماری پرداختن به واژه ای به نام کیفیت - که تقریباً در تمام کلاس ها چندین بار به کار می رفت و مثال بارزی که اساتید از آن استفاده می کردند فضاهای کوچک و بزرگ و جزئیات خانه ای بود که به عنوان دانشکده در آن معماری تدریس می شد- برایم موضوعی اساسی و ضروری به نظر می رسید. پروژه ی "انسان، طبیعت، معماری" فتح باب این جستار بود که با عنوان "نور" -یکی از نموده های بارز به وجود آوردن کیفیت- و معماری دنبال گردید. در ترم های بعد نیرویی پنهان مرا به شناخت معماری سنتی فرا خواند. تا جایی که موضوع درس "مرمت" را بقیه ی سلطان در بندرآباد (یکی از روستاهای بخش رستاق یزد) انتخاب کردم تا بتوانم کنکاشی در معماری گذشته سرزمینم داشته باشم. این تجربه، تجربه ای واقعاً متفاوت بود؛ تجربه ای که نمی توان با زبان بیان کرد، باید در فضا قرار گرفت تا درک کرد، فضایی که می توانستم با به خاطر آوردن پیشینه اش به قرن هایی دور سفر کنم و خود را جزئی از زمان و مکان گذشته احساس کنم.

از همان زمان بود که حساسیت توجه بیشتر شد به دنبال فضاهایی بودم تا بتوانم آرامش از دست رفته را باز یابم، فضاهایی مانند فضاهای کوچک و بزرگ دانشکده، باز یا بسته و ... اما به ندرت می توانستم در خارج از دانشکده چنین فضاهایی بیابم، فضاهایی صمیمانه و قابل لمس. لحظات حضور در آن مکان ها آن چنان در خاطر حک شده که غبار زمان محوشان نمی کند. این مکان ها، فراتر از چشمانم، و فراتر از کالبد جسمانیم و فراتر از ذهنم، گویی روحم را مخاطب قرار می دادند. بودن در آنجا، حسی لطیف و لذت بخش بود. حسی که در فضاهای پرازدحام شهری، در میان هیاهوهای روزمره زندگی ماشینی گم می - شد.

در تمام این سال ها مشق کردن چنین کیفیتهایی موجود در معماری سنتی را مبنای تمام تمرین های طراحی قرار دادم. پروژه ی روش تحقیق، امکانی بود که توانستم با موضوع "چگونگی تأثیر کیفیت خانه های سنتی بر کالبد مسکن امروزی" به طور جدی تری در مقطع کارشناسی ارشد به این موضوعی که چندین سال با آن همراه بودم بپردازم. مصاحبه با چن تن از اساتیدی که چندین سال از عمر خود را در این دانشکده می گذراندند تجربه ی خوبی بود برای آشنایی بهتر و بیشتر با مفهوم کیفیت. موضوع پایان نامه به نوعی آخرین فرصت جدی برای مطالعه و اندیشه در باب دغدغه های ریشه دار و اساسی در معماری بود و می توانست خود سرآغاز راه باشد و انرژی نوینی برای ادامه ی آن فراهم کند. از اینرو موضوع اصلی را "تبدیل کیفیت های موجود در خانه های سنتی به الگوهای جهت اجرای آن در مسکن امروزی" گذاشتم و در پی جستجو جهت فهم مفهوم کیفیت بودم که با نظرات "کریستوفر الکساندر" آشنا شدم. نظراتی که می توانستم با کمک آنها تمام حرف های گفته و ناگفته در پس ذهنم را در کالبدی عینی تجسم کنم. آشنایی با نظرات الکساندر راهگشایم در روشن کردن مفهوم کیفیت و هموار کردن راه برای من بود. از اینرو مبنای اصلی رساله را کتاب "معماری و راز جاودانگی" گذاشتم تا چراغی باشد برای روشن کردن راه. او تمام این ردّ پاهای مشترک در معماری سنتی که باعث به وجود آمدن حس خوب آرامش می شد را "کیفیت بی نام" نامیده بود و در جستجوی روشی بود برای ایجاد چنین کیفیاتی در آثار معماری. دیدگاه الکساندر در مواجهه با مسأله طراحی معماری، حتی زمانی که برای چندمین بار مطالعه اش می کردم، مرا شگفت زده می کرد. نگاهی ساده و صادقانه و در عین حال ژرف و عمیق، خالق زندگی ای بودند که الکساندر در مکان به دنبال آن بود.

از این رو تصمیم گرفتم برای روشن کردن راهی که آغاز کرده ام از نظرات الکساندر الهام بگیرم و مبنای اصلی رساله را کتاب "معماری و راز جاودانگی" بگذارم.

قصه ما:

یاد باد آن خانه و آن خاطرات دلنواز یاد باد ایوان و تالار و عزیز و

جا نماز

یادش بخیر مادر بزرگم همیشه توی هشتی به استقبال ما می آمد، من اسمش را گذاشته بودم ایستگاه نقل و نبات؛ چون تا ما را می دید همانجا توی هشتی، ما را در آغوش می گرفت و می بوسید و از توی جیب پیراهن گل گلش یک مشت نقل و انجیر و خرما می ریخت کف دستمان.

راهروهای پیچ در پیچ و طویل بعد از هشتی محل دویدن و جیغ کشیدن و ابراز اولیه شادمانی کودکانه مان بود. راهروها را تا انتها می رفتیم و از انتهای حیاط بزرگی در می آمدیم. به آن حیاط اندرونی می گفتند، وای که چه صفایی داشت، چه حوض و چه باغچه هایی و درختانی! انگار که یک گوشه از بهشت بود.

گلدانهای شمعدانی و شب بو و اطلسی دور تا دور حوض هر چند برای آب بازی کردنمان کمی دست و پاگیر بود؛ اما فضای حیاط را چنان عطر آگین و با طراوت می کرد که اکنون عکسهای آن دوران را که می بینم، گویی آن بوی خوش را استشمام می کنم.

سمت چپ حیاط سه تا اتاق بود .من عاشق اتاق وسطی بودم که هم بزرگ بود و هم پنج تا در با شیشه های رنگی داشت و از همه مهمتر صندوق مادر بزرگم توی آن بود که همیشه هدیه ها،جایزه ها و سوغات مادر بزرگم از آن بیرون می آمد. من فکر می کردم آن صندوق،پر است از خوشگل ترین و خوشمزه ترین چیزهای دنیا؛چراکه شیرینی ها و خوراکی های مادر بزرگم هم داخل آن بود.

تابستان ها که در های پنج دری باز بود،وقتی توی اتاق نشسته بودم ، سجاده مادر بزرگ را می دیدم که همیشه توی تالار روبرو آن طرف حیاط پهن بود و رحل قرآن با آن قرآن بزرگش وسط سجاده خودنمایی می کرد.یاد باد ایوان و تالار و عزیز و جانماز.

ظهرهای گرم تابستان ،مادربزرگم ما را به حوض خانه می برد و در خنکای آنجا یک کشک و خیار خوشمزه که فقط خودش بلد بود درست کند و بس به ما می داد. وسط حوض خانه یک حوض بود که آب قنات داخل آن بود بالای آن یک بادگیر بود که باد را به روی آب می زد و یک باد خیلی خنک به رویمان می خورد. مادر بزرگم گوشت و به اصطلاح امروزی مواد فاسد شدنی اش را داخل یک سبد حصیری می گذاشت و وسط بادگیر آویزان می کرد تا از گرمای تابستان در امان باشد.

یک اتاق بزرگ بود که ما اجازه نداشتیم در آنجا بازی کنیم . همه چیز آن اتاق نو و مرتب بود،قالی ها ،پتوها و پستی ها. درش همیشه بسته بود. مادر بزرگم مهمان هایش را در آنجا پذیرایی می کرد و بلافاصله بعد از رفتن آنها آنجا را تمیز می کرد و دوباره درش را می بست. به آن اتاق شاهنشین یا ارسی می گفتند.

ما بیشتر برای بازی و خواب به دوتا اتاق کوچکتر که در دو طرف پنج دری بود و به آن اتاق دو دری می گفتند می رفتیم . اتاق ها و راهروها و تالارها و ایوانها مخصوص بازی های کودکانه مان مثل قایم موشک بود. یادش بخیر من خیلی وقتها می رفتم توی حیاط بیرونی قایم می شدم که دور از چشم و با فاصله قابل توجهی از قسمت های دیگر خانه بود.

در یک سوی این حیاط بیرونی یک اتاق شاهنشین دیگر مخصوص مهمانان غریبه بود که چشمتان روز بد نبید، یکبار برای چند ساعت توی این اتاق گیر کرده بودم و درم باز نمی شد و کسی صدای من را نمی شنید. همه توی حیاط اندرونی مشغول پختن نذری بودند و من که برای شیطنت آنجا پنهان شده بودم و در را از داخل بسته بودم، آنجا زندانی شدم و چون از قسمتهای اندرونی کاملاً مجزا و دور بود ساعتها کسی به دادم نرسید!

وقتی آن فضاها را با خانه امروز مقایسه می کنم که مهمان مرد غریبه که هیچ هر عابری در کوچه و هر محرم و نامحرمی در آپارتمانهای اطراف حتی تا ته آشپزخانه و اتاق خوابم را می تواند به آسانی ببیند؛ مگر اینکه زندانی برای خودم درست کنم که رنگ آفتاب را هم نبینم، از خودم می پرسم ما به کجا رفته و می رویم . خانه کنونی من به گونه ای است که به محض باز شدن در ورودی، تمام خانه در معرض دید تمام کسانی قرار می گیرد که آن سوی در هستند!

فصل اول

مقدمه

مسئله

اهمیت موضوع

اهداف و مقاصد تحقیق